

## روایت خانم فرماندار از اعتراضات در شهر قدس: ۵ شب در فرمانداری ماندم

در همین فیلم و همزمان با ورود تخریب‌کنندگان به فرمانداری، یکی می‌گفت که فرماندار داخل ساختمان است. وزیر کشور هم در همان برنامه از فرماندار شهر قدس و مدیریت او در صحنه تمجید کرد. ماجرا زمانی البته قابل تأمل شد که مشخص شد فرماندار یک خانم است.

تاریخ: ۱۰ آذر ۱۳۹۸ - ۰۱:۳۵

کد خبر: ۶۲۴۲۴۵

برای پرس و جو از آنچه در اعتراضات شهر قدس گذشته، به سراغ «لیلا وثیقی» رفتیم. او که پیش‌تر در استانداری مازندران مدیرکل هماهنگی و امور بین‌الملل و مدیرکل جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری بوده و بعد معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی فرمانداری شهریار را برعهده داشته، ۷ خرداد سال جاری به عنوان فرماندار معارفه شد؛ فرماندار یک شهرستان مهاجرپذیر در غرب تهران بزرگ با ویژگی‌های امنیتی- اجتماعی خاص.

شروع اعتراضات در شهر قدس از چه زمانی بود؟

در غرب استان تهران تنها شهری که از شامگاه جمعه ۲۴ آبان درگیر این ماجرا شد، شهرستان قدس بود. براساس بررسی‌های ما معلوم شد این افراد از قبل برنامه‌ریزی شده بودند. اما اینکه با چه هدفی می‌خواستند اغتشاش کنند مشخص نبود.



مستند شما برای این که می‌گویید از قبل برنامه‌ریزی شده بوده چیست؟

اولاً در غرب استان تهران فراخوان می‌زدند برای شب جمعه، در دو ساعت 10 و 12 شب قرار تجمع داشتند؛ برای ساعت 10 خیابان ولیعصر و 12 شب برای آتش زدن پمپ بنزین‌ها. تجمع اول شکل گرفت، اما دومی تحقق پیدا نکرد. اما سنگ پرانی و اغتشاش انجام شد. آنها در مکان‌های از قبل طراحی شده سنگ‌های سه گوش مناسب فراهم کرده بودند. در تمام شهرها اگر قرار بر این بود که فرضاً برای آتش زدن مساجد بروند، همه افراد همین دستور را داشتند. اگر قرار بود به شهرداری‌ها بروند، همه شهرداری‌ها را آتش زده بودند و این نشان می‌دهد که یک برنامه مشخصی وجود داشت.

بنزین ساعت 12 شب پنجشنبه سهمیه‌بندی شد. یعنی از آن زمان تا 10 شب جمعه اتفاقی نیفتاد؟

اصلاً هیچ نشانه‌ای نبود؛ در اعتراضات یک عده فقط تماشاجی بودند. یک عده هم لیدر میدانی بودند که مثلاً با کاپشن‌های خاص مشخص شده بودند. لیدرهای اصلی حضور میدانی نداشتند. همان شب، ساعت 10 فردی که فراخوان زده بود را در شهر قدس دستگیر کردیم و کسی که برای ساعت 12 شب فراخوان زده بود، ساعت یک و نیم شب در همدان دستگیر شد. این افراد از قبل کارهایی را که باید انجام می‌دادند، برنامه‌ریزی کرده بودند و از موقعیت تغییر قیمت بنزین سوءاستفاده کردند. مردم تا روز اول فکر می‌کردند که مسأله بنزین است. اما در شهرستان ما شعارهایی که می‌دادند خیلی مرتبط با بنزین نبود.

شما در این ماجراها با نیروهای امنیتی و انتظامی در ارتباط بودید؟ چند نفر نیرو وجود داشت و چه موقع نیروی کمکی از نیروی انتظامی یا سپاه اعزام شد؟

متأسفانه شهر قدس نسبت به رشد جمعیتش تعداد نیروهای انتظامی و کلانتری‌های کمی دارد. ما با بیش از 420 هزار نفر جمعیت تنها 3 کلانتری داریم؛ در حالی که سرانه هر 50 هزار نفر باید یک کلانتری باشد. همین سه کلانتری هم کمبود نیرو دارند. خوشبختانه ارتباطات ما با سپاه قوی بود و از روز اول سپاه به ما کمک کرد؛ ولی تعداد نیروهای آنها هم زیاد نبود. اینکه شهر قدس یکی از پرتراکم‌ترین شهرها است هم کار را سخت می‌کرد. مثلاً وقتی نیروی انتظامی می‌خواست به مرکز شهر برود با جمعیت دو هزار نفری مواجه می‌شد؛ در حالی که تعداد خودشان نهایتاً 40 نفر بود. در آن جمعیت دو هزار نفری هم عده‌ای سنگ و قمه و شمشیر داشتند و روز بعد به اسلحه‌هایی مثل کلت یا وینچستر ساچمه‌ای مجهز شده بودند. این موارد کار را سخت می‌کرد. اینها می‌خواستند همان شب اول پمپ بنزین‌ها را آتش بزنند ولی نتوانستند، چون فهمیده بودند اگر از یک نقطه حمله کنند ممکن است موفق نشوند. از روز بعد به شهرستان‌های مختلف اعلام کردند که از یک نقطه شروع نکنید. نیروهایشان را توزیع کردند به سه یا چهار نقطه متفاوت و پراکنده؛ طوری بود که ما نمی‌دانستیم در جاهای مختلف چند نفر قرار است بیایند.

چند نفر نیروی سازمان‌یافته در اعتراضات شهر قدس وجود داشت؟

نمی‌شود برآورد کرد؛ عزیزان ما در نهادهای انتظامی و امنیتی خیلی‌ها را دستگیر کردند. این وظیفه ما نیست که آمار بدهیم. بحث، تعداد نیروهای سازمان یافته نبود. برخی از آنها سر مردم داد می‌زدند که بی‌غیرت هستی و آنها را تحریک می‌کردند.

از اهالی خود شهر بودند؟

نه بیشتر از جاهای دیگر آمده بودند. آمدند، غارت کردند و آتش زدند. بعد از دستگیری برخی عناصر، بقیه آنها ناپدید شدند؛ البته عکس‌های آنها هست و در پی دستگیری آنها هستیم.

چند نفر بازداشتی، کشته شده و زخمی داشتید؟

در این موارد مسئولیت ارائه آمار با دادستانی است. فقط اینقدر بگویم که یک تعداد از بازداشتی‌ها مردم عادی یا تماشاجی بودند یا برای کار خاصی بیرون آمده بودند. به همین دلیل وقتی دستگیرشدگان به بازپرسی

فرستاده شدند یک عده بلاقید آزاد شدند. برای یکسری قرار صادر شد و یکسری دیگر جزو اصلی‌ها بودند که به زندان اوین و زندان‌های دیگر منتقل شدند.

اعتراضات چند روز طول کشید؟ آرامش کامل کی برقرار شد؟

انتهای روز دوم یعنی یکشنبه شب تقریباً تمام شده بود و ما صبح روز دوشنبه هیچ موردی را نداشتیم.

یکی از صحنه‌های عجیب در شهر قدس حمله به فرمانداری بود. ماجرا چطور اتفاق افتاد؟

همان 10 صبح شنبه که فراخوان برای تجمع در سراسر کشور زده بودند افرادی جلوی شهرداری شهر قدس تجمع کردند و با خاموش کردن ماشین‌ها ترافیک ایجاد کردند. فضا آنقدر آرام بود که کسی فکر نمی‌کرد بخواهد به این درگیری‌ها بینجامد. یکسری مردم بودند و نگاه می‌کردند، فیلم می‌گرفتند و خبر می‌دادند. از طریق پایش تصویری که در شهر هست به ما این خبرها را می‌دادند. نزدیک ظهر جلوی ساختمان شهرداری شروع کردند به شعار دادن و بعد رفتند به داخل شهرداری حمله کردند. به حراست شهرداری و افرادی که آنجا بودند با میله و سلاح سرد حمله کرده بودند. بعد آمدند سه راه امامزاده که نزدیک فرمانداری است، ایستادند. مردم بودند که بیابند سمت فرمانداری یا نه. نیم ساعتی معطل شدند و بعد اولین کاری که کردند این بود که یکی از دوربین‌ها را تخریب کردند و روی یکی دیگر هم پارچه انداختند. تصاویر واضحی که از آن اتفاقات داریم بابت این است که همان روز از صدا و سیما اینجا آمده بودند و این فیلم‌هایی هم که منتشر شده را خود صدا و سیما گرفته بود.

دفعه اول هجوم تخریبگران، نیروی انتظامی حضور خوبی داشت، رفتند و صحبت کردند. در فیلم‌ها مشخص است که وقتی دارند روی دوربین پارچه می‌اندازند نیروی انتظامی هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد؛ نمی‌خواستند با مردم مقابله کنند، البته شاید اگر برخورد جدی‌تری صورت می‌گرفت به مرحله بعدی کشیده نمی‌شد.

واکنش شما چه بود؟

معترضان گفته بودند می‌خواهیم با فرماندار صحبت کنیم اما متأسفانه این را به من منتقل نکردند. من خودم هم می‌خواستم بروم با معترضان صحبت کنم، ولی گفتند اگر بروی شما را می‌زنند؛ گفتم بالاخره ما باید برویم صحبت کنیم تا این مردم آرام شوند. یکی از مسئولان نیروی انتظامی گفت که شما نروید چون گفتیم شما اینجا نیستید و در استانداری جلسه دارید. به هر حال چون اینها قبلاً صحبت کرده بودند من نتوانستم بروم و نهایتاً به اتاق خودم برگشتم. جمعیت هم پراکنده شدند و رفتند.

همان زمان ما در فرمانداری جلسه شورای تأمین گذاشته بودیم. دادستان، رئیس دادگستری و رئیس اطلاعات آمدند؛ حتی شهردار هم آمد، چون به ساختمان شهرداری حمله شده بود. فرمانده نیروی انتظامی و فرمانده سپاه هم رفته بودند بین مردم که اوضاع را آرام کنند. متأسفانه نیروهای سپاه و حتی نیروی انتظامی آن روز کامل نبودند، حتی من نفهمیدم نیروهای خود ما چه زمانی و به دستور چه کسی از فرمانداری خالی شدند و رفتند. فقط تعداد کمی از پرسنل مرد فرمانداری مانده بودند و بقیه رفته بودند. مهاجمان رفتند پمپ بنزین تاراالله را آتش زدند و برگشتند. آنها دیگر حالت عادی نداشتند و حالت کاملاً تهاجمی پیدا کرده بودند. وقتی رسیدند که تعدادی از نیروهای انتظامی داخل فرمانداری که مسئول حفاظت بودند، رفته بودند اطراف شهرداری برای محافظت. حالا اینکه چه کسی به آنها این دستور را داده بود مشخص نیست. بنابراین یک تعداد نیروی محدودی اینجا در فرمانداری باقی ماند و وقتی جمعیت را با آن خشم دیدند، از در ورودی فرمانداری عقب‌تر آمدند. معترضان هم در را شکستند و وارد شدند. سینه سپر می‌کردند و می‌گفتند اگر می‌توانید ما را بزنید. چون می‌دانستند نیروی انتظامی دستور شلیک ندارد.

از صبح در پیامک‌هایی که به مردم دادیم گفته بودیم که وارد این اغتشاشات نشوند، چون عوامل آنها غارتگر هستند و افرادی نیستند که صرفاً معترض باشند. در پیامک دوم هم هشدار داده بودیم که احتمال تیراندازی

هست. این را پیامک کرده بودیم تا مردم بی‌گناه وسط میدان نیابند و مضروب شوند، چون برخی فقط برای دیدن ماجرا می‌آمدند. بعد از ورود این افراد به فرمانداری، نیروی انتظامی دو تا تیر هوایی شلیک کرد و این باعث شد شلوغی بیشتر شود و لذا معترضان آمدند داخل.

آن زمان من در طبقه دوم بودم؛ گفته بودم می‌خواهم با جمعیت صحبت کنم. اما آنقدر خشمگین بودند که نمی‌شد صحبت کرد. عده‌ای از اعضای شورای تأمین شامل دادستان، رئیس دادگستری، رئیس اطلاعات و شهردار و بچه‌های دفتر ایستاده بودیم که بتوانیم کاری انجام دهیم. کسی هم به ما اطلاع نداده بود که معترضان داخل ساختمان ریخته‌اند و کسی هم برای محافظت نیست. ما از پنجره اتاق متوجه شدیم که اینها داخل آمده‌اند و از نیروهای انتظامی کسی جز یک سرباز باقی نمانده بود. سربازی که باید برای شهامتش از او تقدیر کنیم. او آمد اطلاع داد که مردم داخل آمدند. تصمیم گرفتیم که برویم و با نیروهای بیشتری برگردیم. رفتیم مقر سپاه، نیرو جمع کردیم و بعد از چند ساعت برگشتیم. ساعتش خاطر من نیست اما هوا تاریک شده بود که اینها حمله کردند. ما تا ساعت 9 در مقر سپاه بودیم. خیلی ناراحت و عصبانی بودم. خیلی بحث کردم که چه کسی گفته نیروها نباشند یا جا را خالی کنند. در نهایت یک شورای تأمین دیگری در سپاه تشکیل دادیم و سریع به فرمانداری برگشتیم. خوشبختانه جاهای کمی را آتش زده بودند. بیشتر تجهیزات کامپیوتری برده شده بود. از اتاق من یک تلویزیون برداشتند و یک دستگاه کپی سه کاره. غیر از این حتی یک قندان هم از جایش تکان نخورده بود؛ ولی در اتاق کناری را شکسته بودند.

در آن چند ساعت کل فرمانداری در دست معترضان بود؟

نه، شاید نیم ساعت هم اینجا نبودند. اما در این نیم ساعت با یک وانت آمدند و غارت کردند و رفتند؛ البته آن وانت هم شناسایی شده است. در حمله به دیگر ادارات دولتی هم اول وسایلی مثل یخچال و کولر گازی و... را می‌بردند و بعد آتش می‌زدند.

آیا معنای این حرف‌ها می‌تواند این باشد که بخش عمده‌ای از دلیل انقادی که افتاده ریشه در فقر و بیکاری داشته؟

اتفاقاً وقتی من فرماندار شهر قدس شدم، برنامه‌ام بر محور بهبود معیشت بود. مردم از گرانی و تورم خسته شدند. ما برای تغییر این وضعیت برنامه‌هایی مانند بهبود وضعیت آب شرب، شناسایی و کمک به زنان بد سرپرست و بی‌سرپرست و معتادان بهبود یافته، تأسیس بیمارستان 160 تختخوابی و تأمین تسهیلات کم بهره برای رونق دادن به صنایع کوچک را از طریق مذاکره با مسئولان وزارتخانه‌ها و کمک گرفتن از نهادهایی مانند بنیاد برکت در دستور کار قرار دادیم و پیش بردیم. حتی برای ساخت 1200 واحد مسکونی اجاره به شرط تملیک سرمایه‌گذار جذب کردیم تا بتوانیم فضای فرسوده مرکز شهر را نوسازی کرده و به مراکز خدمات شهری و تجاری تبدیل کنیم تا چهره شهر را دگرگون کند.

بعد از آرام شدن اعتراضات آیا برنامه‌ای برای دلجویی از آسیب دیدگان و گفت‌وگو با مردم معترض داشتید؟

من معتمدان شهرستان قدس را به فرمانداری دعوت کردم و با آنها صحبت کردم تا مردم را به آرامش دعوت کنند. در شورای تأمین هم تقسیم وظیفه کردیم تا از کسانی که آسیب دیدند هم از نیروهای انتظامی و هم از مردم عادی که بعضی‌شان عزیزانشان را از دست داده بودند دلجویی کنیم.

اگر شرایط زندگی مردم منطقه تغییر نکند آیا ممکن است باز هم شهر قدس چنین اتفاقاتی باشد؟

اتفاقاً شهرستان قدس در سال گذشته یکی از بیشترین ایجاد اشتغال‌ها را داشته است. اینجا اگر کسی مهارت بلد باشد بیکار نمی‌ماند. همه چیز را نمی‌شود حاصل فقر دانست. خیلی از اغتشاشگران و کسانی که می‌خواهند آرامش کشور را به هم بزنند از زندگی سطح پایین مردم سوءاستفاده می‌کنند. اتفاقاً آدم‌های فقیر اغتشاشگری نمی‌کنند، بلکه با سیلی صورت خودشان را سرخ می‌کنند.

وزیر کشور در اشاره به ماجرای فرمانداری شهر قدس گفتند که برای انتخاب فرمانداران خانم احتیاط دارند. به باور خودتان توانستید این دیدگاه را تغییر بدهید؟

اگر مردها برای قرار گرفتن در چنین مسئولیتی از هفت خان رستم می‌گذرند، من از صدخان گذشتم. می‌گفتند شرایط شهر قدس به لحاظ امنیتی خاص است؛ اما من پذیرفتم. برای همین وقتی درگیری شد گفتم من یا نباید فرماندار می‌شدم یا صفر تا صدش را می‌پذیرم و وسط میدان می‌مانم. برای همین 5 شبانه روز در فرمانداری ماندم و سعی کردم آرامش را به شهر و مردم بازگردانم. تصمیم گرفتم تا آخر قطره خونم بمانم؛ چون من ماندم همه ماندند. اگر نمی‌ماندم دیگران ممکن بود دلسرد شوند. انجام وظیفه مرد و زن نمی‌شناسد.

برنامه‌ای دارید برای اینکه ناراضی‌ها و اعتراضات مردم را مدیریت کنید؟

شاید باور نکنید، من تا پاسی از شب اینجا می‌مانم و ارباب رجوع را می‌پذیرم و کارهایشان را انجام می‌دهیم. روش‌های مختلفی داریم برای اینکه خواسته‌های مردم را گوش کنیم، انجام دهیم یا به مبادی مرتبط ارجاع بدهیم. کارها داشت خوب پیش می‌رفت؛ ولی بحث بنزین که بهانه دست اغتشاشگران داد در اختیار ما نبود. در این دو هفته کارها معطل مانده اما بزودی پیگیری‌هایمان را ادامه خواهیم داد.